

برزخ در قرآن و روایات

حقیقت برزخ از منظر قرآن و روایات معصومین

زیباخانگلی زاده فیروزجانی
دبیر مدارس منطقه ۱۵ تهران

اشاره

با مطالعه آیات و روایات معصومین در می‌یابیم که عالم برزخ یکی از مراحل حدفاصل بین مرگ و قیامت است و مهم‌ترین موضوعات برزخ عبارت‌اند از: شدائد قبر و سؤال و جواب در قبر، پاداش و عذاب برزخی، احباط و تکفیر گناهان در برزخ. انسان‌ها در عالم برزخ موجودیت دنیوی خود را دارند؛ یعنی همان ارواح یا نفوسی هستند که در این دنیا کار خود را انجام داده و وارد عالم برزخ شده‌اند. لذا پاداش یا عذاب برزخی بر آنان وارد می‌شود که به خاطر اعمال دنیوی است.

کلیدواژه‌ها: عالم برزخ، پاداش و عذاب برزخی، احباط، تکفیر

مقدمه

اعتقاد به عالم برزخ یکی از مسائلی قطعی دین مبین اسلام است که در قرآن کریم و روایات معصومین به صراحت پیرامون آن سخن گفته شده است. این اعتقاد که بقای روح پس از مرگ در دنیا استوار است، در ادیان الهی و غیر الهی نیز یک اصل مهم شمرده شده است. پس برزخ عالمی است که خداوند آن را میان دنیا و آخرت قرار داده است. از فواید و اسرار عالم برزخ آن است که با مرگ همه چیز تمام نمی‌شود و پرونده انسان بسته نمی‌شود. آثار اعمال انسان در دنیا، در برزخ به فعلیت می‌رسد و سنت‌های حسنه و رذیله‌ای که به جای گذاشته شده است، در عاقبت امر او تأثیر می‌گذارند.

حقیقت برزخ در قرآن و روایات

به منظور بررسی حقیقت برزخ لازم است ابتدا به استعمال واژه برزخ در اصطلاح قرآنی اشاره شود و سپس به ماهیت و حقیقت آن طبق آرای تفسیری و روایات صادره بپردازیم.

استعمال واژه برزخ در قرآن

«برزخ در لغت بین دو چیز و یا به معنای پرده و حایل است که بین دو چیز واقع می شود و مانع به هم رسیدن آن دو می شود تا به حدود یکدیگر تجاوز نکنند.» (راغب، بی تا: ۱۴۱)

برای مثال، دریای شور و شیرین مواج اند ولی خدای تعالی مانعی بین آن ها قرار داده است که نمی توانند یکدیگر را از بین ببرند: «مرج البحرين يلتقيان * بینهما برزخ لا یبغیان» (الرحمن / ۱۹ و ۲۰): اوست که دو دریا را به هم آویخت میان آن دو دریا برزخ و فاصله ای است که تجاوز به حدود یکدیگر نمی کنند.

اما در اصطلاح قرآن و روایات اسلامی، برزخ عالم و نشئه ای است بین دو عالم: عالم مادی (دنیا) و آخرت (پیشین). گذشته از روایات زیادی که واژه برزخ در آن ها صراحتاً بیان شده، قرآن کریم در سه آیه این واژه را به کار برده است. سوره الرحمن، آیه ۲۰؛ سوره فرقان، آیه ۵۳؛ سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰. که در دو مورد اول در معنای عام (فاصل بودن دو چیز) و در مورد سوم به معنای خاص (عالمی بین دو عالم) است. چنانچه می فرماید: «مرج البحرين يلتقيان، بینهما برزخ لا یبغیان» (الرحمن / ۱۹ و ۲۰): دو دریا را به هم آمیخت که میان آن ها فاصله و دیواری (نامرئی) است و به هم نمی پیوندند.

در آیه دیگری نیز فرموده است: «و هو الذی مرج البحرين هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج و جعل بینهما برزخا و حجرا محجور» (الفرقان / ۵۳): او خدایی است که دو دریا را به هم آمیخت که این آب گوارا و شیرین و آن دیگر شور و تلخ بود و بین این دو واسطه و حایلی قرار دارد که همیشه از هم منفصل و جدا باشند.

کلمه «مرج» به معنای مخلوط کردن است و «امر مریج» هم که در قرآن آمده، به معنای امری مختلط است و کلمه «عذب» اگر درباره آب به کار رود، به معنای آب خوش طعم است و کلمه «فرات» نیز در مورد آب به معنای آبی است که بسیار خوش طعم باشد و کلمه «ملح» به معنای آبی است

که طعمش برگشته باشد و «اجاج» آبی است که شوری اش زیاد باشد. کلمه «برزخ» به آن حدی گویند که میان دو چیز فاصله شده باشد و کلمه «حجرا محجور» به معنای حرام محرم است. یعنی آن چنان میان این دو آب حجاز و مانع قرار دادیم که مخلوط شدن آن دو با هم، حرام محرم شده است؛ به هیچ وجه مخلوط نمی شود. «طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱۶: ۳۰۹)

و در «طیب البیان» ذیل آیه فوق آمده است: «برزخ فصل بین شیئین است، چنانچه عالم برزخ فصل بین دنیا و آخرت است از حین موت الی یوم البعث. با اینکه بین دنیا و آخرت جدایی نیست، زیرا به مجرد فنای دنیا، آخرت بر پا می شود.» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۶۳۷)

و همچنین در آیه دیگری خداوند می فرماید: «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون» (المؤمنون / ۱۰۰): در ورای ایشان برزخی است تا روزی که مبعوث شوند. در «تفسیر المیزان» ذیل آیه فوق آمده است: «مراد از برزخ عالم قبر است که عالم مثال باشد و مردم در آن عالم که بعد از مرگ است، زندگی می کنند تا قیامت برسد. بعضی گفته اند مراد از آیه این است که بین ایشان و بین دنیا حائز و حایلی است که نمی گذارد ایشان تا روز قیامت، دیگر به دنیا باز گردند. بعد از قیامت هم که دیگر برنگشتن انسان معلوم است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۷۱: ۱۵۰)

حقیقت برزخ

اعتقاد به عالم برزخ، یکی از مسائل قطعی دین مبین اسلام است که در قرآن کریم و روایات به صراحت پیرامون آن سخن به میان آمده است. این اعتقاد بر بقای روح پس از مرگ در دنیا استوار است. اعتقاد به برزخ در ادیان الهی و غیر الهی نیز به عنوان یک اصل مهم شمرده می شود. به طوری که دینی یافت نمی شود که برای انسان بقا و حیات طولانی تر از عمر این جهان قائل نباشد و پیروان خود را به آن سوی دنیا دعوت نکند و نسبت به حساب و کتاب آن اندرز ندهد. شاید معدود انسان هایی را بتوان یافت که مرگ را پایان زندگی بدانند و از درون به آن راضی باشند. چنانچه در مکاتب غیر الهی نیز حیات دنیوی را مدت کوتاهی از زندگی جاویدان بشر مطرح می کنند.

برزخ عالمی است که خدا آن را میان دنیا و آخرت

اعتقاد به عالم
برزخ، یکی از
مسائل قطعی
دین مبین اسلام
است که در قرآن
کریم و روایات به
صراحت پیرامون
آن سخن به میان
آمده است. این
اعتقاد بر بقای
روح پس از مرگ
در دنیا استوار
است

ماده تعلق می‌گیرد. اگر مؤمن و صالح باشد، قبرش روزه من ریاض‌الجنه و اگر فاسد باشد، حفره من حفرالمیزان و از برای عالم برزخ بهشتی است. زمین وادی‌السلام و جهنمی است برهوت. چه بسا بعضی از مؤمنینی که آلوده به معاصی کبیره شده‌اند، در عالم برزخ گرفتار می‌شوند تا در قیامت به شفاعت خاندان عصمت و مغفرت پروردگار نجات پیدا کنند.» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۶۳۷)

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون» (آل‌عمران / ۱۶۹): مپندار کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، اموات (مرده‌اند) هستند. بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. «فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (آل‌عمران / ۱۷۰): به آنچه خدا از فضل خود به ایشان داده، خوشحال‌اند و به یکدیگر مژده می‌دهند که فلانی‌ها هم از دنبال ما خواهند آمد؛ در حالی که ترس و اندوهی ندارند. این آیات بر اثبات برزخ دلالت می‌کنند.

خداوند در جای دیگری می‌فرماید: «قالوا ربنا امتنا اثنتین واحییتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل» (الغافر / ۱۱): کافران گفتند پروردگارا تو ما را میراندی و دوباره زنده کردی و اینک به گناهان خود اعتراف می‌کنیم. آیا راهی برای بیرون شدن هست؟

این آیه می‌فهماند، در روزی که این سخن را می‌گویند، دو بار مرده‌اند و دوباره زنده شده‌اند و این جز با وجود برزخ قابل تصور نیست. زیرا باید برزخی باشد تا آدمی یک‌بار در دنیا بمیرد و یک‌بار در برزخ زنده شود و یک‌بار هم در برزخ بمیرد و در قیامت زنده شود، تا بشود دو بار مردن و دو بار زنده شدن. وگرنه اگر زندگی منحصر به دو عالم باشد، یکی دنیا و یکی آخرت، دیگر دو بار میراندن درست نمی‌شود، چون در این صورت انسان فقط یک بار می‌میرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱: ۵۲۶ و ج ۱۸: ۲۲۱)

پاداش و عذاب برزخی

خداوند در قرآن درباره حالات عالم برزخ آیات متعددی را بیان می‌کند؛ از جمله: «النار یعرضون علیها غدوا و عشیا و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب» (الغافر / ۴۶): بر آتش عرضه

قرار داده است تا این دو به وصف خود باقی باشند. عالمی است بین امور دنیوی و اخروی. در برزخ دیگر سردرد، دندان‌درد و دردهای دیگر نیست؛ زیرا این‌ها لازمه ترکیبات این عالم ماده‌اند. بلکه آنجا عالم مجردات است. منتها به صراحت آخرت هم نیست. یعنی برای اهل معصیت، ظلمت محض و همچنین برای اهل طاعت، نور محض نیست. (دستغیب، ۱۳۷۵: ۳۲)

از امام صادق (ع) سؤال کردند: «برزخ چه موقعی است؟» فرمود: «فقال القبر منذ حین موته الی یوم القیامه» (لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۳: ۲۵۱) از ساعت مرگ تا هنگامی که سر از قبر درآوردند (تا روز قیامت).

برزخ را عالم مثالی هم می‌گویند، چون مثل این عالم است؛ البته از لحاظ صورت و شکل، ولی از لحاظ ماده و خواص و خصوصیات فرق می‌کند. پس از مرگ در عالمی وارد می‌شویم که این دنیا در مقایسه با آن، مانند عالم جنینی داخل شکم مادر است. بدن نیز در برزخ، بدن مثالی است. یعنی از لحاظ شکل عین همان بدن است اما دیگر جسم و ماده نیست و لطیف‌تر از هواست. هیچ‌چیز مانع از آن نخواهد بود که در هر نقطه می‌خواهد، قرار بگیرد. همه چیز را می‌بیند. این طرف دیوار و آن طرف دیوار برایش معنا ندارد.

از خصوصیات عالم برزخ، دوام و ثبات است. اینجا هیچ ثبات و بقا وجود ندارد. اگر جمال است، زودگذر است، اگر خوراکی است و در دهان خوشمزه است، لذتش لحظه‌ای بیش نیست اما عالم برزخ فسادپذیر نیست و چون محتاج عناصر و ترکیب ماده‌ای نیست، همیشه دوام دارد. مداوم بودن عالم دیگر هم از لحاظ نعمت و هم از لحاظ لذت است و بلایش نیز همین‌طور است.

پس برزخ یکی از منازل هولناک است که حق تعالی ذکر آن فرموده است. در قرآن آمده است: «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون» (المؤمنون / ۱۰۰): در ورای آن‌ها عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند.

در «طیب‌البیان» ذیل آیه فوق آمده است: «برزخ فاصله بین الشیئین است، بین دنیا و آخرت و در اخبار تعبیر به قبر کرده‌اند که انسان موقعی که مرگ او فرا رسید، روح حیوانی که او بخار است، تمام می‌شود، ولی روح انسانی که از عالم ارواح آمده، علاقه‌اش از بدن گسسته می‌شود و به قالب مثالی که شبیه همین بدن است، بدون

از خصوصیات
عالم برزخ، دوام
و ثبات است.
اینجا هیچ ثبات
و بقا وجود ندارد.
اگر جمال است،
زودگذر است،
اگر خوراکی
است و در دهان
خوشمزه است،
لذتش لحظه‌ای
بیش نیست
اما عالم برزخ
فسادپذیر نیست

برزخ به عنوان عالم حدفاصل میان دنیا و آخرت ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله آن‌ها، تنهایی و جدایی از دنیاست. در برزخ نامه اعمال انسان بسته نمی‌شود و سنت‌های حسنه و ردیله‌ای که به جای گذاشته است در عاقبت او تأثیر می‌گذارد

ماییم که مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار و اعمالشان می‌نویسیم و هر چیزی را در لوح محفوظ برمی‌شماریم. روشن است که منظور از «ما قدموا» اعمال دنیوی انسان است. تعبیر «آثارهم» نیز دارای مصادیقی است؛ از جمله: استفاده معنوی دیگران از آثار علمی میت، استفاده از بناهای خیریه‌ای که در دنیا ایجاد کرده، سنت حسنه‌ای که از خود به جای گذاشته و پس از او عمل می‌شود و یا داشتن فرزند صالحی که برای پدر و مادر خود استغفار می‌کند و یا در برابر این‌ها، ایجاد مراکز فساد و فحشا در جامعه و یا ایجاد بدعت در دین و یا همراه شدن افراد به وسیله کتب ضاله‌ای که از میت باقی مانده و ... که طبق این آیه شریفه، انسان از آثار اعمال خود پس از مرگ، تبیین واضح‌تری مشاهده می‌کند.

نتیجه‌گیری

برزخ به عنوان عالم حدفاصل میان دنیا و آخرت ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله آن‌ها، تنهایی و جدایی از دنیاست. در برزخ نامه اعمال انسان بسته نمی‌شود و سنت‌های حسنه و ردیله‌ای که به جای گذاشته است، در عاقبت امر او تأثیر می‌گذارد. در برزخ حالات مؤمن و غیر مؤمن یکسان نیست؛ به طوری که فشار قبر از مسلمات آن است و می‌تواند موجب بخشودگی برخی گناهان اهل ایمان شود. یکی از تکفیرهای گناهان در برزخ، سنت‌هایی است که انسان در دنیا ایجاد کرده است. اعمالی که او انجام داده است، بعد از متبلور شدن آثارشان، به طور کامل ثبت و ضبط می‌شوند و انسان هم بعد از مرگ در عالم برزخ از آثار اعمال دنیوی خود بهره‌مند خواهد شد.

مهم‌ترین تکفیرهای برزخی استفاده معنوی دیگران از آثار علمی میت، استفاده از بناهای خیریه‌ای که در دنیا ایجاد کرده است و سنت‌های حسنه‌ای است که از خود به جای گذاشته است و پس از او به آن عمل می‌شود و یا داشتن فرزند صالحی که برای پدر و مادر خود استغفار می‌کند. مهم‌ترین عوامل احباط برزخی نیز ایجاد مراکز فحشا و فساد در جامعه، ایجاد بدعت در دین و یا همراه شدن افراد به وسیله کتب ضاله‌ای است که میت از خود به جای گذاشته است.

می‌شوند ایشان بامداد و شامگاه و روزی که قیامت برپا می‌شود، آل فرعون را در سخت‌ترین شکنجه‌ها داخل کنید. صاحب «المیزان» ذیل این آیه می‌فرماید: «آیه به روشنی بر وضع مجرمان در عالم برزخ دلالت می‌کند (فرعونیان در هر بامداد و شامگاه بر آتش عرضه می‌شوند) و این سهمیه برزخ آن طاغوتیان است. سهم قیامت آنان جمله بعد است که می‌فرماید: «و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب» (همان): و آن‌گاه که قیامت برپا شود، گفته می‌شود که این فرعونیان را در شدیدترین عذاب داخل کنید.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱۷: ۳۵۴)

خداوند متعال در آیه دیگری می‌فرماید: «اغرقوا فادخلوا ناراً» (نوح/ ۲۵): به آب دریا غرق شدند و به آتش دوزخ درافتادند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مراد از داخل آتش شدن، همان آتشی است که در برزخ است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲۰: ۱۹۰)

نکته جالب در این آیه آن است که مسئله غرق و آتش در کنار هم آمده است. آری این بدن‌های دنیوی در آب غرق‌اند ولی روح در قالب دیگر در آتش است. مثل کسی که با این بدن در فضای بسیار بزرگی می‌خوابد، ولی در عالم رویا او را در جای بسیار بزرگی فشار می‌دهند.

احباط و تکفیر گناهان در برزخ

بدیهی است که در برزخ نیز نامه اعمال برخی انسان‌ها بسته نمی‌شود و سنت‌های حسنه و ردیله‌ای که به جای گذاشته‌اند، در عاقبت امر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. یکی از فواید و اسرار عالم برزخ آن است که آثار اعمال انسان در دنیا، در آنجا به فعلیت می‌رسد. روایات متعددی در مورد «صدقات جاریه»، «سنت حسنه» و «سنت سیئه» وارد شده‌اند که ناظر بر همین موضوع هستند. چنان‌که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «ضغطة القبر للمؤمن كفارة لما كان منه من تضييع النعم.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱: ۲۲۱) (فشار قبر برای مؤمن کفاره ضایع کردن نعمت‌هاست که از جانب او صورت گرفته است.)

آثار اعمالی که متوفی در دنیا انجام داده است، موجب افزایش نعمت‌ها یا عذاب‌های برزخی او می‌شوند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «انا نحن نحي الموتى و نكتب ما قدموا و آثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین.» (یس/ ۱۲): همانا

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲. راقب، () مفردات.
۳. دست‌تغیب شیرازی، سیدعبدالحسین؛ معاد، مسجد جامع، عتیق، شیراز، ۱۳۷۵.
۴. طباطبایی، (علامه) سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۵. طبیب، سیدعبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸.
۶. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، مؤسسه انتشارات فراهانی، چاپ اول، قم، ۱۳۵۵.
۷. محمدبن علی لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، انتشارات دفتر نشر داد، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۸. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، انتشارات اسلامی، بی‌تا.